

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: John V. Walsh
برگردان: م. نوری-از سایت ده مهر
۳۱ می ۲۰۲۲

نیویورک تایمز: پیروزی نظامی در جنگ اوکراین واقع‌بینانه نیست



هیأت تحریریه نیویورک تایمز می‌نویسد: «پیروزی کامل بر روسیه ممکن نیست و اوکراین باید به صلحی تن دهد که منطبق با ارزیابی‌های واقع‌بینانه امریکا و میزان توان او در ایفای تعهدات است». نیویورک تایمز یکی از مهم‌ترین مراکز فکرسازی برای طبقه حاکم امریکاست و به همین دلیل نیز نمی‌توان بسادگی از کنار نظرات آن گذشت.

نیویورک تایمز معتقد است که اوکراین باید بر اساس ارزیابی واقع‌بینانه از موقعیت و حدود امکانات ایالات متحده و ناتو مذاکره کند.

یک هفته پیش نوشتیم که مقاله ۱۱ ماه مه نیویورک تایمز خیر از این می‌داد که اوضاع در اوکراین خوب پیش نمی‌رود و مقاله تحلیلی دیگری در همان تاریخ، تلویحاً به این نکته اشاره کرده بود که بهتر است در جنگ اوکراین تغییر جهت داده شود.

حال در مقاله ۱۹ ماه مه، که به قلم هیأت تحریریه نیویورک تایمز نوشته شده، آن اشاره تلویحی به مطالبه‌ای صریح تبدیل شده، آن هم در سرمقاله‌ای با این تیتر مبهم «جنگ پیچیده‌تر می‌شود و امریکا فاقد آمادگی در برابر آن است». در متن مقاله هیأت تحریریه می‌نویسد: «پیروزی کامل بر روسیه ممکن نیست و اوکراین باید به صلحی تن دهد که منطبق با ارزیابی‌های واقع‌بینانه امریکا و میزان توان او در ایفای تعهدات است». نیویورک تایمز یکی از مهمترین مراکز فکرسازی برای طبقه حاکم امریکاست و به همین دلیل نیز نمی‌توان بسادگی از کنار نظرات آن گذشت. اوکراینی‌ها باید خود را با حدود امکانات ایالات متحده تطبیق دهند و حاضر به دادن قربانی و پذیرفتن واقعیتی که امریکا اخیراً به آن رسیده است باشند.

اظهار نظر مقاله نیویورک تایمز حاوی بخش‌های کلیدی ذیل است:

«تحلیل هیأت تحریریه در ماه مارچ این بود که پیام ایالات متحده و همپیمانانش به اوکراین و روسیه باید اینگونه باشد: هرچقدر هم که جنگ ادامه یابد، اوکراین بالاخره باید آزاد شود...»
«البته این هدف قابل تغییر نیست ولی نهایتاً وارد شدن به یک جنگ تمام عیار با روسیه در جهت منافع امریکا نیست، حتی اگر دستیابی به صلح مستلزم اتخاذ تصمیمات دشواری باشد»
و نویسندگان برای این که هر ابهامی را رفع کنند توضیح می‌دهند:
«پیروزی نظامی اوکراین بر روسیه، به ترتیبی که اوکراین کلیه قلمروی را که روسیه از سال ۲۰۱۴ فتح کرده، باز پس گیرد، هدف واقع‌بینانه‌ای نیست... روسیه همچنان قدرتمند خواهد ماند...»

سپس هیأت تحریریه جهت اطمینان از این که پرزیدنت بایدن و اوکراین درست متوجه شوند که چه باید بکنند ادامه می‌دهد: «آقای بایدن باید صریحاً برای پرزیدنت ولودیمیر زلنسکی و همکاران وی روشن نماید که ایالات متحده و ناتو تا چه حدی حاضر به مقابله رودررو با روسیه، و تا چه حدی دارای امکانات برای دادن پول و تسلیحات و همچنین حمایت سیاسی از اوکراین هستند. تصمیمات اوکراین باید مبتنی بر ارزیابی واقع‌بینانه از امکانات خود و پاسخ به این سؤال باشد که اوکراین تا چه میزانی از عهده تخریب کشور برخوردار آمد.»

قطعاً با خواندن این سطور عرق بر پیشانی ولودیمیر زلنسکی خواهد نشست. ارباب وی می‌گوید که او و کشورش باید حاضر به دادن قربانی شوند تا ایالات متحده امریکا آبروی خود را حفظ کند. حتماً او در عین این که به گزینه‌های مختلف می‌اندیشد بهیاد فبروری ۲۰۱۴ و کودتای مورد حمایت امریکا در میدان کیف خواهد افتاد که یانوکویچ را به ترک سمت، ترک کشور و ترک کره خاکی کرد.

جنگ نیابتی اوکراین جنگی بسیار خطرناک است

از دید هیأت تحریریه نیویورک تایمز، جنگ اوکراین تبدیل به جنگی نیابتی بین ایالات متحده امریکا و روسیه شده که کنترل آن از دست خارج می‌شود و اوکراینی‌ها در آن نقش گوشت دم توپ را بازی می‌کنند. «در این درگیری، لحظه فعلی یکی از لحظات آشفتگی و نابسامانی است، امری که موجب می‌شود علی‌رغم اکراه پرزیدنت بایدن و دولت او، اهداف روشن و مشخصی تعیین شوند.»

«ایالات متحده و ناتو تا اینجای قضیه هم شدیداً درگیر جنگ شده‌اند، هم از حیث نظامی و هم از حیث اقتصادی، و انتظارات غیرواقع‌بینانه می‌تواند آن‌ها را عمیق‌تر وارد یک درگیری پرهزینه و طولانی مدت نماید...»
«اظهارات اخیر سیاستمداران در واشنگتن، مانند ادعای پرزیدنت بایدن که «پوتین نباید در قدرت باقی بماند» یا اظهارات وزیر دفاع، لوید اوستین که روسیه باید «تضعیف» شود و تأیید نانسسی پلوسی، سخنگوی مجلس نمایندگان که

«ایالات متحده از اوکراین تا پیروزی» حمایت خواهد کرد ممکن است حمل بر تشویق به حمایت از اوکراین شود ولی قطعاً کمک به برقراری صلح نخواهد کرد».

هر چند نیویورک تایمز اظهارات فوق را به عنوان تبلیغاتی کم اهمیت جلوه می دهد ولی روز به روز واضح تر می گردد که برای نئوکانها که مسوول سیاست خارجی ایالات متحده هستند، هدف از جنگ در اوکراین جنگی نیابتی برای سقوط روسیه بوده است. این جنگ تبدیل به جنگ نیابتی نشده است بلکه از ابتداء نیز جنگ نیابتی بود. نئوکانها بر اساس دکترینی عمل می کنند که مدت زمان کوتاهی پس از پایان جنگ سرد در سال ۱۹۹۲ از سوی پاول و لفوویتس، رئیس برنامه های سیاسی وزارت دفاع طراحی و اعلام شد:

«ما باید تلاش کنیم که قدرتی متخاصم بر مناطقی حاکم نشود که منابع طبیعی آن برای تبدیل شدن آن قدرت به قدرتی جهانی کفایت کند».

«ما باید سازوکارهای لازم را حفظ کنیم تا بتوانیم رقیب بالقوه ای را که در تلاش برای تبدیل شدن به قدرتی منطقه ای یا جهانی است، بازداریم».

اگر روسیه تا آن «حدی قوی» است که نتوان در اوکراین بر آن چیره شد، آنقدر قوی نیز هست که نتوان او را به عنوان قدرتی جهانی به زانو در آورد.

نیویورک تایمز تحلیل خود را از ماه مارچ تا ماه مه تغییر داده، چه چیزی در این مدت عوض شده است؟

اولاً روسیه به طور غیرمنتظره و خلاف پیش بینی های تیرهواتر اولیه غرب، خوب از عهده مسأله برآمده است. میزان محبوبیت پرزیدنت پوتین بین مردم روسیه بیش از ۸۰٪ است.

۱۶۵ کشور از بین ۱۹۵ کشور جهان، از جمله چین و هند با جمعیتی قریب به ۳۵٪ از جمعیت کل جهان، از وضع تحریم ها علیه روسیه خودداری کرده اند. بنابراین این ایالات متحده امریکاست که نسبتاً منزوی شده است و نه روسیه. واحد پول روسیه، روبل که باید آن را «آشغال» نامید نه تنها به ارزش پیش از ماه فبروری بازگشته بلکه نرخ برابری آن اکنون ۵۹ روبل به یک دالر است که در مقایسه با ارزش برابری آن در ماه مارچ که ۱۵۰ روبل به یک دالر بود به رکوردی طی دو سال اخیر دست یافته است.

روسیه در انتظار برداشت بالاترین میزان از محصول طی سال های اخیر است و جهان مشتاق و حریص خرید غلات، کودکیمیایی، نفت و گاز اوست که درآمد کلانی را برای او به ارمغان خواهد آورد.

اتحادیه اروپا تا حدود زیادی در مقابل خواسته روسیه مبنی بر پرداخت بهای گاز به روبل، تمکین کرده است. وزیر مالیه امریکا Yellin نسبت به اقدامات انتحاری اروپائی ها در خصوص تحریم نفت روسیه هشدار داده و گفته است که تحریم نفت به اقتصاد غرب آسیب زیادی خواهد زد.

نیروهای نظامی روسیه پیشرفت هایی آهسته، ولی پیوسته در جنوب و شرق اوکراین دارند، آنها پس از نبرد پراهمیت ماریوپل، که پیروزی بزرگی برای روسیه و شکستی غیراخلاقی برای اوکراین بود.

تورم در ایالات متحده امریکا که پیش از بحران اوکراین نیز بسیار بالا بود، بیشتر شده و علی رغم تلاش بانک مرکزی برای مهار آن بالغ بر ۸٪ است. این امر تا حدودی منجر به سقوط بازار سهام شده است. با ادامه جنگ بسیاری با نظر رئیس سابق فدرال رزرو Ben Bernanke همراه شده اند و نرخ بالای بیکاری، تورم بالا و کاهش رشد اقتصادی را پیش بینی می کنند، امری نگران کننده، یعنی رکود تورمی.

در داخل امریکا شواهد حاکی از کاهش حمایت‌ها از جنگ است. قابل تأمل‌ترین نکته این است که ۵۷ عضو حزب جمهوری‌خواه در مجلس نمایندگان و ۱۱ نفر از آنها در سنا علیه آخرین بسته کمک‌های تسلیحاتی به اوکراین رأی داده‌اند، به کمک‌های تسلیحاتی که با سود کلان و امتیازات پنهان برای آنها، یعنی منتفعین از جنگ همراه است. (جالب توجه است که حتی یک عضو حزب دموکرات، حتی مترقی‌ترین آنها علیه بسته حمایتی مزبور رأی نداده‌اند و این به‌معنای ریختن بنزین روی آتش جنگ است، از این موضوع بگذریم که خود داستان علیحده‌ای است).

افکار عمومی در امریکا البته هنوز موافق تلاش‌های دولت در کمک به اوکراین است ولی قرائن و شواهد حکایت از کاهش آن دارد. بنابه گزارش مؤسسه نظرسنجی PEW، تعداد افرادی که معتقدند امریکا به اندازه کافی به اوکراین کمک نمی‌کند، از ماه مارچ تا ماه مه کاهش یافته است. از آنجائی که رکود تورمی با افزایش قیمت گاز و مواد غذایی تشدید خواهد شد و هشدارهای افرادی نظیر Trucker Carlson و Rand Paul که تورم را مرتبط با جنگ اوکراین می‌دانند، این امر بی‌شک موجب رشد نارضایتی‌ها خواهد شد.

سرمقاله نیویورک تایمز زنگ خطری است برای اهداف جنون‌آمیز نئونکان‌ها

در این درخواست نیویورک تایمز از بایدن، که برای جنگ راه حلی از طریق مذاکره بیابد، اثری از هراس دیده می‌شود. ایالات متحده امریکا و روسیه دو قدرت بزرگ اتمی جهان هستند با هزاران راکت اتمی که آماده شلیک در صورت هشدارند. در شرایط فوق‌العاده حساس، امکان خطا و بروز جنگ هسته‌ای بسیار زیاد است. بنابراین هشدار نیویورک تایمز قابل توجه و ترس قابل درک است.

ولی آیا نئونکان‌های صاحب مسئولیت تسلیم خواهند شد و به‌سوی رامحلی عاقلانه و صلح‌آمیز، آنگونه که سر مقاله نیویورک تایمز درخواست می‌کند، خواهند رفت؟ این البته خوش‌خیالانه و امیدوی واهی است. همانطور که یکی از تحلیل‌گران عنوان کرده، جنگ‌افروزی چون نیولند، بلینکن و سولیان راه بازگشت ندارند و در عین حال هم مرتباً وضعیت خطرناک را تشدید می‌کنند. و اینها در حال حاضر روی سیاست خارجی دولت بایدن، حزب دموکرات و بخش بزرگی از حزب جمهوری‌خواه نفوذ دارند. این‌ها نه در خدمت بشریت‌اند و نه در خدمت مردم امریکا، در اصل اینها خائنین به وطن‌اند. اینها را باید شناخت، بی‌اعتبار کرد و کنار گذاشت. ادامه حیات ما منوط به این امر است.

برگرفته از : وبسایت Antikrieg - ۲۳ ماه مه ۲۰۲۲

http://antikrieg.com/aktuell/2022_05_23_newyorktimes.htm

(این مقاله ابتداء در تاریخ ۲۰ ماه مه ۲۰۲۲ به زبان انگلیسی در Antiwar.com منتشر شده است.)